گزارش کپسولی

در کوچه‌های تهران

ربطی به خاطره‌باز بودن ایرانی‌ها ندارد، هر کسی این روزها قدم در حیاط یك خانه قاجاری بگذارد دلش برای گذشته‌ها تنگ می‌شود. حالا اگر این خانه از آن فرد سرشناسی باشد سیاحت آرام‌بخش دو چندان می‌شود. محله عودلاجان یا اودلاجان یکی از پنج محله اصلی تهران قدیم بوده که از خیابان خیام (جلیل‌آباد)، کاخ گلستان تا ناصرخسرو، حدود مسجد شاه، شمال بوذرجمهر، پامنار، جنوب خیابان امیرکبیر(چراغ برق)، میدان امام خمینی (ره) (توپخانه) تشکیل می‌شد. این محله در دوره قاجار یکی از محلات مرفه نشین تهران بوده است. همین محله آن‌قدر هویت تاریخی دارد که نمی‌شود در همین چند سطر خلاصه کرد؛ از وجه تسمیه آن گرفته تا وقتی که محل سکونت زرتشتیان تهران بود. اما عودلاجان محل زندگی یکی از روحانیون سرشناس تاریخ ایران بوده است؛ چهارراه سرچشمه، گذر میرزامحمود وزیر (کوچه شهید جاویدی)، بن‌بست مدرس، خانه تاریخی و ارزشمند آیت‌ا... سیدحسن مدرس، سرسخت‌ترین دشمن پهلوی اول را در خود جای داده است. در گذشته این خانه با عنوان «خانه وزیرمختار فرانسه» مشخص شده که امروزه به نام خانه مدرس شناخته می‌شود. این عمارت قدیمی روزگاری محل رفت و آمد چهره‌های بزرگ تاریخ، سیاست از جمله موتمن‌الملك پیرنیا، مشیرالدوله، وثوق‌الدوله، مستوفی‌الممالك، ملك‌الشعرای بهار، مصدق و حتی رضاخان بوده است. در این خانه بسیاری از تصمیمات سرنوشت‌ساز تاریخ ایران و تهران ازجمله پیش‌نویس برخی قوانین (قانون مدنی و قانون عدلیه و...) در آن نوشته شده است. این خانه پس از رها شدن در زمانی طولانی بالاخره سال ۱۳۹۳ توسط حاج محمد انصاری خریداری و پس از مرمت به عنوان دارالقرآن و خانه موزه شهید مدرس با هدف فعالیت‌های فرهنگی، پژوهشی و اجتماعی و نیز گردآوری مستندات موزه‌ای مرتبط با شهید مدرس احیا شد. این بناکه در دوره قاجار و بر اساس الگوی معماری سنتی ایران ساخته شده اجزای مختلفی دارد که شامل سه حیاط مرکزی، اتاق‌ها، راهروها، حوض‌خانه و سه ورودی و... است. براساس شواهد و مستندات، باقی مانده مرمت آن منطبق با طرح اولیه و با هدف حفظ اصالت انجام شده است. از جمله آن می‌توان به حفظ الگوی معماری در تمام فضاهای بیرونی و اندرونی آن و مصالح به کار رفته اشاره کرد. البته خانه مرمت شده الحاقی‌هایی هم دارد که با خلاقیت به مرمت خانه اضافه شده است. از خلاقیت‌های به‌کار رفته در مرمت این بنا می‌توان به استفاده از سازه‌ای مدرن با هدف مسقف کردن حیاط مرکزی با توجه به کاربری در نظر گرفته شده برای آن اشاره کرد؛ که بدون دخالت و آسیب در سازه اصلی و سیما و منظر حیاط مرکزی انجام شده است. از آنجا که این خانه علاوه‌بر محل سکونت شهید مدرس، محل فعالیت‌های گسترده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایشان نیز بوده است؛ بنابراین دارای فضاهای اندرونی و بیرونی است که شامل یك بخش اندرونی که محل سکونت ساکنان منزل و دو بخش بیرونی متشکل از فضاهای تدریس و تفسیر و همچنین فضاهایی برای ملاقات‌های مردمی و ملاقات با رجال است.

اسکناس ۱۰۰ ریالی یکی از اولین اسکناس‌های طراحی شده بعد از انقلاب بود

گشت و گذار در محله و خانه قدیمی شهید مدرس مبارزی که امروز سالگرد شهادتش است

میزبانی سید حسن از تورهای تهران گردی

زینب مرتضایی‌فرد

فرهنگ و هنر

از چند نفر می‌پرسم خانه موزه مدرس کجاست و نمی‌دانند. همین‌طور در دلم به راننده اسنپ که گفت خانه ۵۰ متر جلوتر است و پیاده‌ام کرد بد و بیراه می‌گویم و می‌پرسم؛ اما کسی نمی‌داند. به پیرمردی می‌رسم که انگار قدمتی اندازه محله عودلاجان دارد. کلاهش، خطوط چهره‌اش و نگاهش همه عمری طولانی دارند. سوالم را که می‌پرسم، دستش چند بار در هوا بالا و پایین می‌رود و لب‌هاش بی‌این‌که کلامی از آن خارج شود، تکان می‌خورد. می‌خواهد بگوید، می‌دانسته، اما انگار حالا یادش نیست؛ انگار نقشه محله در ذهنش کمرنگ شده است و نمی‌تواند چیزی بگوید. پسرش از مغازه بیرون می‌آید و راهنمایی‌ام می‌کند تا کوچه پس‌کوچه‌ها را پشت سر بگذارم. وارد کوچه اخوان اسلامی شوم، به خیابان جاویدی برسم و بپیچم توی کوچه مدرس و سر راهم محله‌ای را تماشا کنم که انگار میان برزخ دیروز و امروز مانده است. اگر نباشد حضور بچه‌هایی که تازه از مدرسه تعطیل شده‌اند و سرخوشانه به سمت خانه می‌روند و خریدهای روزمره خانم‌های خانه‌دار، توی این کوچه پس کوچه‌ها، نمی‌شود فهمید خانه‌ها مسکونی‌اند یا انبار. نمی‌شود فهمید اینجا محل کار است یا محل زندگی. اما یك چیز را می‌شود خوب فهمید، اینجا کمی مدیریت و سلیقه می‌خواهد. اینجا هنوز اصالتش را دارد، هنوز هم زن‌های محجبه‌ای که به سمت نانوایی محله می‌روند، می‌ایستند و با هم گرم سلام و علیك می‌کنند، در این کوچه‌ها حضور دارند و این یعنی عودلاجان. عودلاجان به حال خود رها شده هنوز هم می‌تواند نگین تهران باشد. می‌شود هنوز هم کنار سقاخانه‌های دود گرفته کوچه‌ها ایستاد و به زلال کاشی‌های آبی‌شان چشم دوخت و به خانه مدرس رسید. هر چند مثل همه خانه‌های تاریخی اینجا هم خبری از صاحبخانه نیست، اما خانه مدرس در میان این همه کهنگی خانه‌های به حال خود رها شده، می‌تواند چنان حالت را عوض کند که برای دقایقی تمام محیط پیرامونت را فراموش کنی. آجرهای خانه‌ای صدایت می‌زند که روزگاری یکی از مردترین مبارزان کشورت در آن زندگی کرده است. در آن زندگی کرده اما مرگش فرسنگ‌ها از این خانه دور بوده است. این خانه زیبا مانده و مدرس به خواف رفته و همان‌جا هم به شهادت رسیده است.

سادگی جذاب یك خانه

هرچند تاریخ دقیقی برای ساخت خانه تخمین نمی‌زنند، اما تا قبل از سال ۱۳۰۷ شمسی که مدرس به خواف تبعید شد، سال‌ها در این خانه تلمذ کرده، درس خوانده و با بزرگان مملکتی دیدار داشته؛ بنابراین عمر خانه را دست‌کم باید یك دهه قبل از این سال یعنی اواخر قاجار به عقب برد؛ خانه‌ای که حالا برخی کارشناسان میراث فرهنگی می‌گویند قدمتش به اواسط پهلوی اول می‌رسد، پس هیچ تزئیناتی نداشته که بخواهند آن را نگه دارند! هر چند سادگی این خانه زیباترین تزئینی است که می‌تواند داشته باشد... با وجود این، براساس اسناد موجود با تبعید مدرس به خواف، او در نامه‌ای به فرزندش، اختیار این خانه را به او واگذار می‌کند و فرزند مدرس هم تا سال ۱۳۲۵ شمسی در این خانه زندگی می‌کند. او که پزشك بوده و به توصیه پدرش بسیاری از مردم عادی را رایگان معالجه می‌کرده، پس از مدتی می‌بیند توان نگهداری خانه را ندارد و آن را به مرحوم حاج‌احمد کتابچی، ناشر کتابفروشی اسلامیه می‌فروشد، او هم پس از چند سال زندگی در خانه، این بنای تاریخی را به انبار کتاب تبدیل می‌کند. بنا به همین شکل می‌ماند تا این‌که یکی از تهرانگردی‌های احمد مسجدجامعی شرایطی را برای تغییر اوضاع این خانه فراهم می‌کند تا حالا با تلاش حاج محمد انصاری، نام دارالقرآن امام علی(ع) در کنار عنوان خانه موزه شهید مدرس قرار بگیرد.

امروزِ خانه

امروز خانه چقدر شبیه دیروزش است؟ راستش نمی‌شود خیلی قطعی جواب داد. برخی تغییرات را رسانه‌ها نوشته‌اند که در بازسازی خانه ایوان‌ها حذف شده و کارشناسان هم توضیح داده‌اند ایوان‌ها به خانه الحاق شده بوده و واقعی نیستند. اما حوض‌های آبی، دیوارهای آجری و درهایی که حال و هوای قدیمی بودن را در خود دارند، به خانه حس خوبی می‌دهند. خانه سه در دارد. همین که از در اول وارد شوی و ورودی ۵۰۰۰ تومانی‌اش را بپردازی، به حیاطی کوچك می‌رسی که حوض آبی‌رنگش در کنار شمعدانی‌های چیده شده روی راه‌پله‌ها، تصویر آنچه را که از گذشته‌های دور بارها برایمان تعریف کرده‌اند، در ذهن‌ها ترسیم می‌کند.

این حیاط کوچك که مدرس تابستان‌ها در آن از مهمانانش پذیرایی می‌کرد، هنوز صفای سابق را دارد. این حیاط در دوران رونق خود شاهد ملاقات‌های مدرس با افراد طراز اول جامعه مانند دکتر مصدق، ملك‌الشعرای بهار و رضاشاه بود؛ کسانی که دکتر علی مدرسی، نوه دختری شهید مدرس، حضور آنها در این خانه را تأیید کرده است. همچنین امام خمینی در زمانی که طلبه بوده، به همراه برادرش آیت‌ا... پسندیده ۲۱ روز در این خانه مهمان شهید مدرس بوده‌اند.

پرونده مربوط به محاکمه قاتل شهید مدرس نیز در یکی از ویترین‌ها نگهداری می‌شود که نشان می‌دهد قاتلان او پس از محکومیت، همچنان از دولت حقوق می‌گرفتند! در طرف دیگر، مجسمه‌ای از مدرس می‌بینیم که توسط استاد رسام ارژنگی ساخته شده است. این مجسمه که پیش از انقلاب ساخته شد، توسط دختر مجسمه‌ساز معروف در اختیار موزه قرار گرفته است. منبر چوبی کوچکی درگوشه‌ای از اتاق به چشم می‌خورد. این تنها وسیله‌ای است که به‌احتمال زیاد متعلق به خود شهید مدرس بوده و توسط ایشان مورد استفاده قرار گرفته است.

یك در کوچك شما را به بنای اصلی و بزرگ‌تر وارد می‌کند که اتاق کار و محل قرار و مدارهای آقای مدرس که نماینده مجلس هم بوده، در آن قرار دارد. در یکی از اتاق‌ها مجسمه‌های مومی دیدار مدرس را با مقامات کشوری بازسازی کرده‌اند و مقابل چشم‌ها قرار داده‌اند. دستنوشته‌ها، نامه‌ها، روزنامه‌هایی که در آنها از مدرس نوشته شده، همه در خانه گردآوری و روی دیوارها نصب شده‌اند. فضای این طرف تا آن طرف حیاط خیلی خالی به نظر می‌رسد و با فاصله زیادی به یك حوض آبی‌رنگ بزرگ می‌رسد که اتاقی شبیه مهمانخانه‌های امروزی است. هرچه نگاه می‌کنم، نمی‌شود این میان، این همه خالی بوده باشد، سقف سفید ساخته شده روی بخش بزرگی از حیاط این موضوع را در ذهن می‌آورد که برگزاری برنامه‌ها در این محیط اهمیتی بیشتر از باغچه‌های هایی داشته که احتمالا اینجا بوده‌اند.

از طرف دیگر، دیوار حیاط پر است از بنرهایی که عکس‌های مدرس روی آنهاست. این بی سلیقگی در موزه دکتر حسابی هم دیده می‌شود و البته آنجا پا به خیابان هم گذاشته است. خانه موزه جای بنر و سقف کاذب نیست، کاش این موارد در خانه مدرس لحاظ می‌شد و جلوه بصری خانه را تحت‌الشعاع قرار نمی‌داد. با این همه، خانه حس خوبی دارد، روح آرامش حاکم بر معماری ایرانی که در دوران اسلامی به اوج خود رسیده و حالا در روزگار ما به خاطره تبدیل شده است، در این خانه حضور دارد و منتظر است برای تماشایش راهی شوید.

به خانه موزه مدرس بروید

خانه موزه بازدیدکننده هم دارد؟ آرش صابری، کارشناس موزه در این باره می‌گوید: این خانه موزه و دارالقرآن فعال است و سه‌شنبه‌ها خانم‌ها و چهارشنبه‌ها آقایان برای آموزش قرآن به آنجا می‌آیند. همچنین ما برنامه شب‌های تهران را هم هر ماه اینجا برگزار می‌کنیم و به موضوعات مربوط به تاریخ می‌پردازیم. دلیل این اتفاق، علاقه خود شهید مدرس به تاریخ است. به گفته او شب تهران بعدی ۲۰ آذر برگزار می‌شود و به موضوع پایتختی تهران می‌پردازد.

او می‌گوید: ما بازدیدکننده داریم و تقریبا می‌توان گفت تعداد کمی هم نیستند. البته بیشتر تورهای تهرانگردی به اینجا می‌آیند. مساله مهم این است که محله باید از رکود خود خارج شود. ما اینجا خانه‌هایی داریم که می‌تواند شکل محله را عوض کند، اما این اتفاق نمی‌افتد. مثلا خانه فراغت چرا بیکار است و نمی‌گذارند کسی وارد عمارت شود؟ امیدوارم رسانه‌ها چنین موضوعاتی را پیگیری کنند. همین خانه زیبا دست یك بازیگر است و آن را تا سال ۱۴۰۰ اجاره کرده است. بچه‌های کار را از این خانه بیرون کرد و آن را گرفت، اما کاملا تعطیلش کرد.

مدیران باید برای محله‌های قدیمی تهران فکری کنند، اما برای خانه موزه مدرس ما هم می‌توانیم فکری بکنیم، می‌توانیم راهی خانه موزه مدرس شویم و در سادگی زیبای این بنا حال خودمان را عوض کنیم، از سرمایه‌گذار این خانه هم که بدون حمایت هیچ نهاد دولتی دست به این کار ارزشمند بزند، حمایت کنیم. حالا دیگر شهید مدرس، مرد بزرگی که امروز سالروز شهادتش است، فقط در کتاب‌های تاریخی حضور ندارد، فقط یادآور اسکناس ده تومانی چند دهه پیش نیست، حالا آقای مدرس در دل تهران خانه هم دارد. یادتان نرود به او سر بزنید.

امروز چی داریم؟

سلاطین در بند

طبق چیزی که تقویم به ما گفت، امروز دهم آذرماه است. دهم آذرماه می‌تواند در تقویم‌های شخصی و فردی خیلی از ماها سالروز خیلی از چیزها باشد با این حال یك اتفاق مهم در این روز ثبت شده. شهادت و به عبارت دقیق‌تر ترور سیدحسن مدرس در چنین روزی اتفاق افتاده است. حالا درست است که مزار مدرس در شهرستان کاشمر در خراسان رضوی است، اما بدانید و آگاه باشید جناب مدرس در یکی از روستاهای توابع شهرستان اردستان استان اصفهان به دنیا آمده است.

گذشته از این‌که سوابق مدرس به دوره قاجار و مشروطه‌خواهی بازمی‌گردد اما خیلی از ما او را به واسطه شخصیتی می‌شناسیم که از خودش در برابر دیکتاتوری رضاخان نشان داد و در نهایت هم ۸۱ سال قبل در سال ۱۳۱۶ توسط ماموران رضاخان خفه شد و به شهادت رسید. حالا زینب مرتضایی‌فرد خبرنگار پرتلاش گروه فرهنگی به همین مناسبت رفته سراغ خانه‌ای که مرحوم مدرس در سال‌های اقامت در تهران در آنجا زندگی می‌کرده؛ خانه‌ای که در یکی از کوچه‌های فرعی خیابان شهید مصطفی خمینی (پایین‌تر از میدان بهارستان) قرار گرفته است. خیابانی که البته به نام خیابان ری هم خوانده می‌شود. با گزارش مرتضایی‌فرد همراه شوید و سری بزنید به خانه با صفای سیدحسن مدرس.

احتمالا در جریان هستید که آذر مهاجر دیگر خبرنگار پرتلاش فرهنگ و هنر جام‌جم چند وقتی است رفته سراغ سوژه کاغذ و ول‌کن قضیه نیست. مهاجر که در چند وقت اخیر گزارش‌هایش حسابی سر و صدا به پا کرده و به بمب خبری تبدیل شده است بتازگی مطلع شده که بعد از سلطان سکه و سلطان کنسرت، حالا سر و کله سلطان کاغذ هم پیدا شده است. مهاجر لابه‌لای پیگیری‌های خبری‌اش کاشف به عمل آورده که دوستان دستگاه‌های امنیتی رد سلطان کاغذ را زده‌اند و حالا ایشان به اتهام اخلال در بازار کاغذ پشت میله‌های بازداشتگاه است. الغرض، مهاجر امروز دوباره با گزارش از کاغذ و سلاطین آن به روزنامه آمده. خواندن این گزارش را در صفحه بعد به شما پیشنهاد می‌کنیم. حواس ماموران امنیتی به همه جا هست.

صفحه ۱۱ فرهنگ و هنر هم امروز دوباره مشمول الطاف ملوکانه دوستان سازمان آگهی‌ها شده و نیمی از آن در اختیار آگهی‌ها قرار گرفته (کثرا... امثالهم). با این حال بچه‌های سینما بیکار ننشسته‌اند و یك گزارش جمع و جور و بانمك از بعضی رویدادهای حاشیه‌ای جشنواره مقاومت مهیا کرده‌اند. هرچند خود جشنواره هم شب گذشته در برج میلاد تهران با برگزاری مراسم اختتامیه به کار خودش پایان داد. سوای اخبار و رویدادهای خبری، گزارش صفحه ۱۱ را هم از دست ندهید.

در نهایت هم کیکاووس زیاری در صفحه ۱۲ سراغ سینمای جهان رفته و از برخی مجموعه‌های دنباله‌دار سینمایی حرف زده.